

میدان جنگ می‌تواند میدان دوستی نیز باشد؛ اگر نیروهای دو طرف میدان به حقوق خویش بسنده کنند.

www.mandegardaily.com

سال ششم: شماره یک هزار چهار صد یازده: چهارشنبه ۲۱ عقرب/آبان ۱۳۹۳: ۱۹ محرم الحرام ۱۴۳۶: ۱۳ نوامبر ۲۰۱۴

دولت وحدت ملی

نه حکومت تداوم نه از اصلاحات!

چهل و پنجمین روز اعلام دولت وحدت ملی گذشت و گمانه‌زنی‌ها را بر عدم توفیق رهبران آن در شکل دهی این دولت، میان حلقه‌های سیاسی بیشتر ساخته است و سکوت مردم را عمیق تر. گرچه از قبل معلوم است که تشکیل چنین دولتی، بنابر پیچیده‌گی‌هایی که دارد، وقت زیادی می‌طلبد و مدیریت سیاسی بالایی.

مردم حق دارند تا به درستی و روشنی در جریان باشند؛ زیرا دولت وحدت ملی نه از تداوم است، نه از اصلاحات؛ بل دولت مردم می‌باشد.

اگر پروسه شکل‌دهی این دولت بنابر تداوم تفکر سنتی یا ندانم‌کاری‌ها و یا هم پنهان‌کاری‌هایی رازآلود گردد، این آلوده‌گی به حدسیات دوستان و آشفته بازاری‌های سیاست یک دهه اخیر میدان می‌دهد تا آلوده‌گی را تیره‌تر سازند و تب مردم را بیشتر. دولت وحدت ملی، نه یک حکومت ائتلافی افغانی به منظور چسبیدن به قدرت، غنیمت گرفتن قدرت و تداوم قدرت است و نه هم یک موجود عجیب‌الخلقه‌یی که هر یک در موردش از ظن خود تعبیر نماید؛ بل آغاز سامان‌دهی یک ملت است که بدیل ندارد؛ چنانچه قصد داریم از دور باطل تاریخی، رهایی یابیم تا به‌حیث یک ملت عزتمند، زنده‌گی کنیم.

از صفحه فیسبوک احمدولی مسعود



صفحه ۶

دولت وحدت ملی و اصلاح نظام انتخاباتی

دکتر اشرف‌غنی رییس‌جمهوری به روزنامه ماندگار:

روزنامه‌نگاران طرح‌های‌شان را در زمینه ساده‌سازی پروسه‌های کاری ارایه دهند

به گفته آن‌ها، برخی از مأموران در شماری از اداره‌ها، کارها را به یک دیگر پاس می‌دهند تا زمینه فساد و رشوه فراهم شود. دکتر غنی به ماندگار گفت که رسانه‌ها و روزنامه‌نگاران باید در راستای افشای فساد در نهادهای دولتی کار کنند. رییس‌جمهور غنی به روزنامه‌نگاران وعده سپرد که از آن‌ها با تمام قوت حمایت می‌کند.

ساخت. رییس‌جمهوری افغانستان در این صحبت گفت که فساد را در نهادهای دیگر دولت افغانستان نیز فاش سازید و رییس‌جمهور افغانستان در پشت شماست. آگاهان می‌گویند که در اکثریت مطلق اداره‌های افغانستان بروکراسی پیچیده و منفی حاکم است و کاری که باید در یک ساعت انجام شود، روزها به تأخیر انداخته می‌شود.

دکتر اشرف‌غنی رییس‌جمهوری کشور، از روزنامه‌نگاران، نویسندگان و متخصصین خواسته است که طرح‌های‌شان را در زمینه ساده‌سازی پروسه‌های کاری با او شریک سازند. دکتر غنی در تماسی به روزنامه ماندگار گفت که او به بهترین طرح در این زمینه‌ها، جایزه می‌دهد. آقای غنی پس از نشر مقاله‌یی در روزنامه ماندگار در پیوند به فساد در اداره ثبت احوال نفوس، این موضوع را مطرح

زاخیل‌وال:

در بحران کابل بانک دست ندارم

زاخیل‌وال متهمان فراری را ضمانت کرده است



سرپرست وزارت مالیه می‌گوید که او در بحران کابل بانک دست نداشته است. عمر زاخیل‌وال، سرپرست وزارت مالیه گفت که وضعیت کنونی این بانک هیچ ربطی به او نداشته است. آقای زاخیل‌وال افزود: «به دلیل این‌که وی خواهان حل و روشن شدن قضیه کابل بانک بوده این اتهام بر وی وارد شده است.» اما پیشتر رییس دادگاه ویژه کابل بانک گفته بود که دو تن از متهمین بحران کابل بانک از سوی عمر زاخیل‌وال و نورالله دلاوری ضمانت شده بودند که فعلاً فرار کرده اند. این اظهارات در حالی صورت می‌گیرد که روز گذشته در نخستین جلسه دادگاه متهمان بحران کابل بانک، خلیل الله فیروزی یکی از مسوولان پیشین این بانک، بحران در این موسسه پولی را دسیسه‌یی از سوی سفارت امریکا در کابل، عمرزاخیل‌وال و عبدالقدیر فطرت عنوان کرد. همچنین شیرخان فرنود از متهمان این پرونده و رییس

سفر مخفیانه رییس ISI به کابل



رئیس استخبارات پاکستان روز گذشته در یک سفر غیر منتظره به منظور دعوت از دکتر اشرف غنی رییس‌جمهور افغانستان برای سفر به پاکستان وارد کابل شد. رضوان اختر به تازه‌گی به حیث رییس استخبارات پاکستان (ISI) به کار گماشته شده است. گفته می‌شود این مقام پاکستانی با تعدادی از مقامات بلندپایه دولت افغانستان دیدار و گفت‌وگو کرده است. هدف سفر وی به کابل دعوت از محمد اشرف غنی رییس‌جمهور کشور برای سفر به پاکستان اعلام شده است. این سومین مقام پاکستانی است که طی یک ماه گذشته به افغانستان سفر می‌کند.... ادامه صفحه ۶

در برگ‌ها



کی‌ها در پی
نقض توافقات
سیاسی‌اند؟



اقتصاد
مکتب
اتریشی



راوی
اشباح
و ارواح



از جهان سوم
به جهان
اول داستان
سنگاپور
از سال
۱۹۶۵ الی
۲۰۰۰میلادی

احمد عمران

کے ہادرے نقص توافقات

سیاسے اند؟



و سیاسی خود بهره برداری می کنند. شاید بیش از هر دوره‌ی در سیزده سال گذشته در کشور شاهد گفت و گوهای داغ در محور زبان و قوم بوده باشیم. برای نخستین بار طی این سالها اصطلاحات قبیله‌گرایی و قوم‌گرایی وارد ادبیات سیاسی جامعه ما شد و به کرات از آن‌ها استفاده صورت گرفت. وفور استفاده از چنین اصطلاحاتی نشان می‌دهد که اتفاقات خاصی در جامعه بروز کرده‌اند و یا این که مسایلی از عمق به سطح آمده‌اند. وقتی سرپرست ولایت بلخ استفاده از چنین ابزارهایی را در کشور مردود می‌داند و آن را به زبان جامعه توصیف می‌کند، به این معناست که خطری در کمین جامعه نشسته و سلامت وحدت ملی در کشور را هدف گرفته است.

بحث سوم آقای نور که ظاهراً چندان با دو موضوع قبلی نزدیکی نشان نمی‌دهد اما ربط وثیق با دو موضوع قبلی دارد این است که کمیسیون‌های انتخاباتی عامل بسیاری از مشکلات امروز کشور هستند و به دلیل سوءمدیریت خود به جای تعمیق ارزش‌های مردم‌سالارانه و دموکراتیک که در خلاف جهت قوم‌گرایی و زبان‌گرایی سیر می‌کند، این نوع تفکرات را رشد داده و به نوعی از آن‌ها حمایت کرده‌اند. قوم‌گرایی و زبان‌گرایی به سخن زیبای کانت فیلسوف مدرنیته، به دوران صغارت بشر تعلق دارد، در حالی که بیرون شدن از چنین مفاهیم به عصر روشن‌گری می‌رسد؛ عصری که انسان مسوولیت رفتار را به عهده می‌گیرد، در حالی که در اعصار پیشامدرن مسوولیت اعمال و رفتار بشر را خودش به عهده ندارد و مفاهیمی مثل گروه و قوم به عهده می‌گیرد.

تفکر قوم‌گرایانه که زبان‌های جبران‌ناپذیری به ارزش‌های ملی ما وارد کرده، هم‌چنان به عنوان ابزار سلطه مورد استفاده قرار می‌گیرد و سلطه از هر نوع آن می‌تواند جامعه را دچار انسداد و رکود سازد.

هستند؟ آیا چنین شایه‌ی وجود دارد که افرادی بخواهند به نقض توافقات سیاسی همت گمارند؟

سرپرست ولایت بلخ اتفاقاً به نکته جالبی اشاره کرده است؛ نقض توافقات سیاسی. به خاطر داریم که دولت وحدت ملی چه‌گونه شکل گرفت و کی‌ها در پی حذف یک تیم مطرح در انتخابات بودند. به دنبال آن، زمانی که موضوع ایجاد دولت وحدت ملی به وجود آمد، بازهم سنگ‌اندازی‌های زیادی برای برهم خوردن هرگونه توافق میان دو تیم مطرح انجام گرفت. بارها گفت و گوهای سیاسی میان تیم‌های انتخاباتی به بن‌بست نزدیک شد و بارها شمارش و بازرسی آرا به نتیجه نرسید. حالاً نیز عده‌ی تلاش دارند به هر شکل ممکن توافقات سیاسی را بی‌اعتبار نشان دهند.

بی‌اعتبار نشان دادن توافقات سیاسی می‌تواند به معنای نقض این توافقات باشد. عده‌ی کمین دارند که از هر نوع سخن و گفته‌ی تعبیر سوء کنند و آن را به ناکارآمدی توافقات سیاسی ربط دهند. برخی رسانه‌ها از حالا چنین فضایی را دامن می‌زنند؛ فضایی که دوباره به خلق بحران اعتماد منجر شود و دولت وحدت ملی نتواند به تعهدات خود در قبال جامعه پاسخگو باشد. این افراد و گروه‌ها هم زیاد ناشناخته برای جامعه نیستند؛ اتفاقاً آقای نور در دومین محور سخنان خود هویت چنین افرادی را بر ملا می‌سازد.

وقتی سرپرست ولایت بلخ از قوم‌گرایی و تعصبات زبانی در کشور سخن می‌گوید، دقیقاً اشاره به هویت افرادی دارد که در تلاش ناکامی دولت وحدت ملی هستند. در سیزده سال گذشته متأسفانه بحث‌های قوم‌محورانه و زبان‌محورانه به گونه نگران‌کننده در کشور دامن زده شده است. عده‌ی از این پایگاه به آب و نان رسیده‌اند و بدون هرگونه فهم دقیق و واقعی از چنین مقولاتی، از آن‌ها به نفع اهداف مالی

اظهارات اخیر عطا محمد نور سرپرست ولایت بلخ در مراسم سوگند اعضای جدید شورای ولایتی این ولایت، واکنش‌های متفاوتی را در پی داشته است.

آقای نور در این مراسم به چند نکته کلیدی اشاره کرد که این نکته‌ها ضمن استقبال شماری از سیاستمداران کشور، برای برخی دیگر زمینه‌ساز پاره‌ی نگرانی‌ها شد. آقای نور اجرای مو به مو و کامل توافقات سیاسی میان رییس‌جمهوری و رییس اجراییه را عامل موفقیت و پیروزی دولت وحدت ملی توصیف کرد و عدم تعهد و صداقت به این توافقات را عامل فروپاشی این دولت خواند.

آقای نور به انتخابات سال روان ریاست‌جمهوری کشور اشاره کرد و خواهان رسیده‌گی دولت وحدت ملی به این موضوع شد. آقای نور از دولت وحدت ملی خواست که نسبت به افرادی که به تعبیر او در برگزاری انتخابات «خیانت» روا داشته‌اند، برخورد قانونی صورت گیرد. سرپرست ولایت بلخ هم‌چنین به مسأله جنجال‌برانگیز دامن زدن به احساسات قومی و زبانی توجه نشان داد و دامن زدن به تعصبات قومی و زبانی را در افغانستان مردود خواند.

به این صورت، سه محور اصلی در سخنان آقای نور متباز است؛ سه محوری که اگر مبالغه صورت نگیرد، از بحث‌های کلیدی در جامعه ما می‌تواند باشند. حول محور این بحث‌ها دیدگاه‌های زیادی مطرح شده و هرکسی از ظن خود یار آن‌ها شده است. نخستین بحثی را که سرپرست ولایت بلخ به آن اشاره داشت، بحث دولت وحدت ملی و ضمانت‌های پایداری آن بود. به گفته آقای نور، صداقت در اجرای توافقات سیاسی می‌تواند این ضمانت را به وجود آورد. اما پرسش این‌جاست که چرا آقای نور و یا شماری دیگر از سیاستمداران کشور، نگران عدم اجرایی شدن این توافقات

سخن ماندگار

با کابل بانک و کمیسیون‌های انتخاباتی برخورد یکسان شود

در این روزها دادگاه ویژه کابل بانک برگزار شده و شماری از سهام‌داران آن مثل فروزی و فرنود در زندان‌اند و محاکمه آنان از سر گرفته شده و کسان دیگری هم در بازداشت به سر می‌برند؛ اما تا هنوز برخی افراد که باید بازداشت می‌شدند، بازداشت نشده‌اند و دست کسی هم به آنان نمی‌رسد.

مسلماً پرداختن به چنین مسایلی اهمیت زیادی برای دولت نوپای وحدت ملی دارد و نگرانی این است که نشود سرانجام همه کاسه و کوزه‌ها به پای چند نفر مشخص بشکند و کسانی که نقش اصلی را در غارت کابل بانک داشتند، معافیت حاصل کنند.

بدیهی‌ست که اگر اراده راسخی برای حل قضیه کابل بانک وجود داشته باشد، فارغ از این همه هیاهو می‌توان به این قصه خاتمه بخشید. ولی به نظر می‌رسد که این پرونده روی اهداف و اغراض خاص سیاسی دوباره باز شده است. بی‌تردید در کابل بانک و بانک مرکزی همه فایلهایی که نشان دهند چه کسانی در چه زمانی و به چه شیوه‌هایی پول از کابل بانک گرفته و به کدام حساب انتقال داده و یا به کدام هدف به مصرف رسانده‌اند. موجود است و با مراجعه به آن‌ها می‌توان به ساده‌ترین روش ممکن از قضیه کابل بانک رمزگشایی کرد. اما اکنون قضیه کابل بانک صورت انحرافی به خود گرفته است. البته این سخن به معنای آن نیست که دولت وحدت ملی نباید پشت این قضیه بگردد، بلکه انتظار این است که قضیه به صورت صادقانه و عینی مورد بررسی قرار گیرد و با راه افتادن هیاهو پیرامون آن، دیگر قضایا و پرونده‌ها به فراموشی سپرده نشوند. چنان‌که هر وقت بحث پرونده کابل بانک در دولت وحدت ملی به میان می‌آید، مردم به صراحت می‌گویند که این غایله به منظور خاک انداختن بر جنایت‌هایی روی دست گرفته شده که کمیسیون‌های انتخاباتی مرتکب شده‌اند.

مسلماً ناکامی و بی‌معنا شدن انتخابات گذشته ریاست‌جمهوری و بی‌مقدار شدن آرای مردم به دلیل تقلب‌هایی که در آن صورت گرفت، همه و همه مردم را از انتخابات دلگیر ساخت و دیگر رغبتی برای مشارکت در آن باقی نگذاشت. از این رو انتظار می‌رود دولت وحدت ملی به وعده‌های وفا و کمیسیون‌های انتخاباتی را منحل کند و عاملان تقلب را نیز به دادگاه بکشاند.

اما به نظر می‌رسد که چنین نیتی وجود ندارد و قرار هم نیست که کسی به مسوولان کمیسیون‌های انتخاباتی بگوید بالای چشم شما عالی جنابان ابرو تشریف دارد! به‌رغم این همه، حالا که انتخابات پارلمانی - که اهمیت آن کمتر از انتخابات ریاست‌جمهوری نیست - را در پیش داریم، قضیه محاکمه کسانی که مرتکب خیانت بر امانت مردم شده‌اند، جدی‌تر از گذشته مطرح می‌شود. از نظر مردم، آن‌هایی که در کابل بانک پول ملت را غارت کرده‌اند با خائنی که رای مرد را ضایع ساخته‌اند، هیچ فرقی ندارد؛ زیرا هر دو به امانت خیانت روا داشته‌اند. حتا می‌توان گفت که مسوولان کمیسیون‌های انتخاباتی که رای مردم را غارت کرده‌اند، خاین‌تر از آنانی‌اند که پول مردم را به جیب زده‌اند. بنابراین در حالی که روند دادگاهی شدن متهمان دم دست در کابل بانک جریان دارد، باید متهمان دم دست کمیسیون‌های انتخاباتی نیز به دادگاه کشانده شوند و این کمیسیون باید به شدت اصلاح، بازسازی و حتا نوسازی شود.

ما تأکید می‌کنیم که نسبت به اعضای فعلی کمیسیون‌های انتخاباتی، نباید سهل‌انگارانه و با اغماض برخورد صورت گیرد؛ زیرا با برکنار کردن و محاکمه این گنه‌کاران، جز اصلاح امور اتفاق دیگری نمی‌افتد و اصلاح امور باید در دستور کار دولت وحدت ملی قرار بگیرد.

به وضاحت می‌گوییم تا زمانی که مسوولان کنونی کمیسیون‌های انتخاباتی که قانون اساسی را پایمال و دموکراسی را برباد کردند مجازات نشوند، مردم اصلاحات را احساس نمی‌کنند و اقدام‌های دیگر همه نمود سیاسی پیدا خواهند کرد.

**خودمانی شدن پوتین با همسر
رییس جمهور چین در دسر ساز شد**



اولین قانون نانوشته دیپلماسی این است که «هرگز به همسران روسای جمهور نزدیک نشوید»، اما به نظر می‌رسد که رییس جمهوری روسیه که به تازه‌گی مجرد شده، این قانون را فراموش کرده است.

به نوشته مجله فارن پالیسی، رهبران ۲۱ کشور عضو آسیا - اقیانوسیه از جمله روسیه برای شرکت در نشست سالانه همکاری اقتصادی آسیا - اقیانوسیه (اِپِک) به پکن رفته‌اند و نشست تا روز سه‌شنبه ادامه دارد.

روز یکشنبه مراسمی در «واتر کیوب» محل برگزاری المپیک سال ۲۰۰۸ برگزار شده بود. در این مراسم ولادیمیر پوتین، رییس جمهوری روسیه در کنار پنگ لیوآن، بانوی اول چین نشسته بود که در کنار همسرش شی جینپینگ، رییس جمهوری چین قرار داشت.

در حالی که میهمانان در حال نشستن بر روی صندلی‌های خود بودند، شی جینپینگ مشغول حرف زدن با باراک اوباما، رییس جمهوری آمریکا شد و پوتین نیز با بانوی اول چین صحبت می‌کرد اما صحبت آنها اینگونه به پایان می‌رسد که پوتین کت خود را بر روی دوش همسر رییس جمهوری چین می‌اندازد و همین مساله در رسانه‌های چین کلا سانسور شد.

گویا فضای برگزاری مراسم سرد بوده است و پوتین به سرعت وارد عمل می‌شود و کتش را بر روی دوش لیو آن می‌اندازد اما بانوی اول چین به سرعت آن را برمی‌دارد. اما این اقدام از چشم رسانه‌ها دور نماند.

حال دولت چین که نگران است این تعامل ساده، ژست رمانتیک به خود بگیرد، تمام ویدیوها و تصاویر مرتبط با این رویداد را از رسانه‌های اجتماعی و منابع خبری پاک می‌کند. ولادیمیر پوتین در ماه اپریل از همسرش جدا شد و از آن زمان تاکنون مجرد است.

محمود عباس در مراسم سالروز مرگ عرفات:

اسرائیل جهان را به سمت جنگ دینی می‌برد

رییس تشکیلات خودگردان فلسطین در مراسم بزرگداشت دهمین سالروز مرگ یاسر عرفات با بیان اینکه قدس پایتخت فلسطین است و فلسطینی‌ها از آن کناره‌گیری نخواهند کرد، گفت: اسرائیل با اقدامات خود در قدس جهان را به سمت جنگ دینی می‌کشانند. به گزارش شبکه خبری اسکای نیوز عربی، محمود عباس، رییس تشکیلات خودگردان فلسطین در مراسم بزرگداشت دهمین سالروز مرگ یاسر عرفات رییس فقید تشکیلات خودگردان در رام‌الله تاکید کرد: رهبران اسرائیلی اشتباه بزرگی کردند که فکر کردند تاریخ دوباره به عقب بازمی‌گردد. آنها امروز دنبال تقسیم زمانی و مکانی مسجد الاقصی هستند همان‌طور که چنین اقداماتی را پیشتر در خصوص حرم ابراهیمی در الخلیل انجام دادند اما بعداً از اقدام خود کناره‌گیری کردند.

وی تصریح کرد: اسرائیل با اقدامات خود در قدس جهان را به سمت جنگ دینی می‌کشانند.

عباس تاکید کرد: قدس پایتخت ماست و از آن کناره‌گیری نمی‌کنیم. ما قدس و مقدسات آن را حفظ می‌کنیم. ما از تمامی حامیان و قهرمانان فلسطینی که با تجاوزات اسرائیل به مسجد الاقصی و شهر قدس مقابله می‌کنند می‌گوییم تا از مسجد الاقصی حمایت کنند و همچنین حق دارند تا از خود و مقدساتشان نیز حمایت کنند.

وی گفت: جنبش فتح همواره سیاستی را در پیش گرفته که اساس آن تحقق منافع مردم است و همواره از گرایش‌های حزبی دوری کرده و به تمامی فلسطین تعلق داشته است.

عباس خاطر نشان کرد: در حال حاضر جنگ تمامی فلسطین با اشغالگری اسرائیل است و تمامی فلسطینی‌ها می‌خواهند از مساله فلسطین دفاع کنند و ما خواهان این هستیم که فلسطینی‌ها در زیر یک پرچم و سایه واحد باشند و اراده مردم فلسطین نمی‌گذارد تلاش‌ها برای آزادی فلسطین ناکام بماند.

وی مدعی شد: جنبش حماس مسوول انفجارهای اخیر در منازل رهبران جنبش فتح است. ما به آتش ملی پایبند هستیم اما حماس تمایل خود را برای این اقدام نشان نمی‌دهد.

عباس تاکید کرد: شهرک سازی اسرائیل اقدامی غیرقانونی است و ما برای پایان دادن به اقدامات اسرائیل به شورای امنیت می‌رویم. وی گفت: بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر اسرائیل باید از اقدامات خود صرف نظر کند و شهرک نشینان باید به اقدامات و یورش‌هایشان به مسجد الاقصی پایان دهند.

زیر سؤال رفتن اصل دموکراسی در امریکا



انتخابات میان دوره‌ی کنگره امریکا در چهارم نوامبر با مشارکت مردمی بسیار پایین برگزار شد. این روند به ضرر رییس جمهوری دموکرات امریکا تمام شد چرا که در حالی که هنوز دو سال از دوران ریاست جمهوری وی باقی مانده است، کنترل سنا علاوه بر مجلس نمایندگان امریکا از دست دموکرات‌ها خارج شد و به چنگ جمهوری خواهان افتاد. از این پس زندگی دیگر چندان برای اوباما آسان نخواهد بود و در بهترین سناریوی ممکن، نفوذ وی به شدت کاهش می‌یابد و جنگ بر سر جانشینی‌اش بالا می‌گیرد.

از دیگر سو مشارکت پایین مردم امریکا در انتخابات را باید زیر سؤال رفتن اصل دموکراسی و غالب شدن نظر تنها عده معدودی (در حدود یک سوم واجدان شرایط) تعبیر کرد که تبعاً مواضع سیاست‌های دولت و سنای امریکا را بدون پشتوانه مردمی خواهد کرد.

روزنامه امریکایی کورییر ژورنال در سر مقاله خود درخصوص انتخابات میان دوره‌ای کنگره امریکا در چهارم نوامبر و مشارکت اندک مردمی در آن نوشته است: «چهارشنبه هفته گذشته، روزی که مردم امریکا با نتایج انتخابات میان دوره‌ای روز سه‌شنبه از خواب بیدار شدند، همچنین روزی بود که اهمیت تاریخی زیادی برای ایالات متحده امریکا داشت.

در پنجم نوامبر سال ۱۸۷۲ بود که سوزان بی. آنتونی، از فعالان مدافع رای‌گیری در روز انتخابات رای خود را در روچستر نیویورک در حالی به صندوق انداخت و تاریخ‌ساز شد که زنان هیچ حق قانونی برای رای دادن نداشتند. این نافرمانی منجر به دستگیری وی شد.

در تاریخ امریکا که پیش برویم، به دهه ۱۹۶۰

می‌رسیم و با موجی از جنبش حقوق مدنی مواجه می‌شویم که در جریان آن کنگره امریکا قانون حق رای را تصویب کرد و در ۱۹۶۵ لیندون جانسون، رییس جمهوری وقت امریکا آن را به امضا رساند. معنای قانون حق رای، از بین بردن تبعیض نژادی علیه رای‌دهندگان و حذف بسیاری از موانعی بود که مردم رنگین‌پوست را محروم می‌کرد.

حال انتخابات میان دوره‌ای هفته گذشته کنگره را در نظر بگیرید که به نحو شرم‌آوری مشارکت مردمی در سراسر کشور پایین بود و تنها ۳۶ درصد از رای‌دهندگان ثبت شده به خود زحمت دادند تا به پای صندوق‌های رای بیایند.

در ایالت کنتاکی در شرق امریکا که یکی از داغ‌ترین رقابت‌ها را در کل کشور شاهد بود و سناتور جمهوری خواه میچ مک‌کانل به مصاف رقیب دموکرات خود آلیسون لاندراگان گرایمز رفت، ما بهتر عمل کردیم اما نه چندان زیاد.

پس از پایان انتخابات رادیو کنتاکی اعلام کرد، تنها ۴۶ درصد از رای‌دهندگان در این ایالت به پای صندوق‌های رای رفتند؛ در بخش جفرسون تنها ۴۷ درصد مردم به پای صندوق‌ها رفتند که بسیار کمتر از ۶۵ درصد پیش‌بینی شده بود و همین امر در رقابت بر سر سنا و بسیاری از رقابت‌های محلی، سود زیادی را عاید جمهوری خواهان کرد.

پس از پایان انتخابات رادیو کنتاکی اعلام کرد، تنها ۴۶ درصد از رای‌دهندگان در این ایالت به پای صندوق‌های رای رفتند؛ در بخش جفرسون تنها ۴۷ درصد مردم به پای صندوق‌ها رفتند که بسیار کمتر از ۶۵ درصد پیش‌بینی شده بود و همین امر در رقابت بر سر سنا و بسیاری از رقابت‌های محلی، سود زیادی را عاید جمهوری خواهان کرد.

انتخابات با تاسف به مشارکت ملی پایین مردم اشاره کرد و گفت که این روند به ضرر حزب دموکرات ختم خواهد شد. وی گفت: خب به هر کسی که در این انتخابات رای داد، می‌گوییم که صدای شما را شنیدیم. به آن دو سوم از رای‌دهندگان که تصمیم گرفتند در روند انتخابات مشارکت نکنند نیز می‌گوییم که صدای

شما را هم شنیدیم.

اما رییس جمهوری امریکا از ۶۴ درصد از رای‌دهندگانی که زحمت نکشیدند تا بیایند و رای بدهند، چه چیزی شنیده است؟ سرخوردگی؟ خستگی از تبلیغات کارزار انتخاباتی؟ بی‌تفاوتی؟ مشغولیت زیاد؟

هیچ کدام از این‌ها بهانه قانع کننده‌ای برای عدم مشارکت در حقی که امریکایی‌ها برای آن جنگیده‌اند، نمی‌شود؛ حقی که بسیاری از مردم سراسر جهان با نومیادی همچنان به دنبال آن هستند. ما به عنوان یک ملت عاشق این هستیم که شکایت کنیم. ما از دولتمان، مالیات‌ها، مدارس، ترافیک و هزینه‌های زندگی شکایت می‌کنیم. با این حال، تعداد اندکی از ما تمایل دارد تا گام بیشتری را برای رای دادن بردارد و بر روی مسائلی که ما از آن‌ها شکایت داریم، تأثیر بگذارد. بنابراین در اینجا چالشی برای جامعه وجود دارد؛ مدارس، کلیساها، احزاب سیاسی، باشگاه‌های اجتماعی، دوستان و همسایگان.

باید برای تاکید بر اهمیت رای دادن تلاش بیشتری انجام دهیم. باید سعی کنیم تا از طریق راه‌های خلاقانه‌تری با جوانان ارتباط برقرار کنیم و آن‌ها را برای شرکت در انتخابات هیجان‌زده کنیم. ما باید کمک آن‌ها را بطلبیم چرا که آنها بهتر می‌دانند که چطور باید با همسالان خودشان تعامل داشته باشند. این گام را باید پیش از انتخابات آتی برداریم و ترجیحاً باید اقدام ما به موقع باشد تا مردم بتوانند پیش از آن در روند رای‌گیری ثبت‌نام کنند. ما حتی نتوانستیم نیمی از رای‌دهندگان در ایالت کنتاکی را در انتخابات چهارم نوامبر به پای صندوق‌های رای بیاوریم. سال آتی باید عملکرد بهتری داشته باشیم.

کامرون:

انگلیس تمایلی به جنگ سرد جدید با روسیه ندارد



نخست‌وزیر انگلیس با اعلام حمایت از تحریم‌های شدیدتر علیه روسیه در صورت تداوم آنچه اقدامات این کشور برای ایجاد بی‌ثباتی در اوکراین خوانده شده، گفت: انگلیس تمایلی ندارد تا با روسیه وارد جنگ سرد شود.

به گزارش خبرگزاری رویترز، دیوید کامرون، نخست‌وزیر انگلیس در این باره اظهار کرد، اقدامات روسیه در اوکراین موجب ایجاد تهدیدهای جدی علیه کل اروپا شده است اما هنوز دیر نیست تا از وقوع یک جنگ سرد دیگر جلوگیری کرد.

هفته گذشته میخائیل گورباچف، رهبر سابق اتحاد جماهیر شوروی درباره تنش‌های بین شرق و غرب بر سر بحران اوکراین که جهان را در معرض جنگ سرد جدیدی قرار داده، هشدار داد. کامرون در ادامه عنوان کرد: این نتیجه‌ای نیست که

شرکت کنند. در همین حال نخست‌وزیر انگلیس که سال آینده با یک انتخابات دیگر و مجموعه‌ای از مشکلات داخلی روبه‌رو خواهد بود، تمام تلاشش را می‌کند تا رای‌دهندگان وی را به عنوان یک بازیگر جدی در صحنه جهانی در نظر بگیرند.

کامرون در ادامه اظهارات خود افزود: راه‌حل نظامی برای بحران اوکراین حتی گزینه هم نیست اما تحریم‌های اتحادیه اروپا علیه روسیه موثر خواهد بود و انگلیس حاضر است تا از افزایش فشارها بر روسیه در صورت تداوم

دخالت روسیه در امور اوکراین حمایت کند. وی در این باره متذکر شد: اگر روسیه به مسیر فعلی خود ادامه دهد، ما به افزایش فشارها بر روسیه ادامه می‌دهیم و روابط روسیه با جهان در آینده شدیداً تغییر خواهد کرد.

ما در پی آیم و من این مساله را این هفته در بریسن استرالیا برای ولادیمیر پوتین، رئیس جمهوری روسیه روشن می‌کنم. طی روزهای ۱۵ و ۱۶ نوامبر پوتین و کامرون هر دو قرار است تا در نشست سران کشورهای جی ۲۰

بخش دوم

ویژه‌گه یک مرد واقعی

برای ازدواج

۱۱- مرد واقعی ارزش هر کلمه را می‌شناسد، فقط به این دلیل حرف نمی‌زند که صدای خود را بشنود

کلمات خود را به دقت انتخاب می‌کند. به قدرت آن‌ها احترام می‌گذارد و فقط زمانی حرف می‌زند که چیز باارزشی برای گفتن داشته باشد.

۱۲- مرد واقعی هدف دارد

این مشخص‌ترین خصوصیت اوست. در عین این‌که همه آدم‌ها در زنده‌گی خود سرگردانند تا خودشان را پیدا کنند، مرد واقعی سرگرم ساختن خودش است. هر روز برای نزدیک‌تر کردن خودش به هدفش، کاری انجام می‌دهد.

۱۳- مرد واقعی پرتلاش و سخت‌کوش است

او می‌داند که بدون تلاش و کار سخت هیچ کاری به انجام نمی‌رسد.

۱۴- مرد واقعی یک جنگنده است

می‌داند که بعضی چیزها تحت کنترل او نیستند اما برای کنترل چیزهایی که در اختیار اوست، هر کاری می‌کند. اما نگران بقیه چیزهایی که کنترلی روی آن‌ها ندارد، نیست. نگران فردا نیست، برای ساختن امروز خود سخت در تلاش است.

۱۵- مرد واقعی شروع‌کننده دعوا نیست، اما اگر در دعوی گرفتار شود، به آن خاتمه می‌دهد

زورگو و قلدر نیست. از آن دسته آدم‌هایی نیست که دنبال مرافعه می‌گردند تا زورآزمایی کنند. اما اگر منطقی‌ترین کاری که باید انجام دهد، دعوا کردن باشد، این کار را خواهد کرد. او برای خراب کردن دعوا نمی‌کند، بلکه برای دفاع کردن از خود این کار را انجام می‌دهد.

۱۶- مرد واقعی، خوش‌استایل و خوش‌تیپ است



به ظاهر خود می‌بالد و مردم هم برای آن به او احترام می‌گذارند. او می‌داند چه‌طور باید مثل یک مرد لباس بپوشد.

۱۷- مرد واقعی می‌داند کیست، ارزش‌هایش بر زنده‌گی او حکومت می‌کنند

هیچ‌وقت از ارزش‌های خود سرپیچی نمی‌کند و تا لحظه آخر برای آن‌ها می‌ایستد. حتی اگر در ایستاده‌گی برای ارزش‌هایش تنها باشد، تا آخرین توان خود می‌جنگد.

۱۸- مرد واقعی می‌داند با خانم‌ها چه‌طور باید رفتار کند

او به زن‌ها احترام می‌گذارد و در هر موقعیتی به همسر خود کمک می‌کند. به او کمک می‌کند به آرزوهایش برسد.

۱۹- مرد واقعی برای خوشنود کردن همه آدم‌ها خود را به زحمت نمی‌اندازد، چون می‌داند این کار غیرممکن است

هیچ‌وقت نمی‌گذارد زنی زنده‌گی او را اداره کند. او مرد خودش است. با این‌که زمینی که زنی روی آن راه رفته را می‌بوسد؛ اما می‌داند چه‌طور نباید اجازه دهد او از حد خود تجاوز کند. هیچ‌وقت نمی‌تواند با یک زن حسود یا کنترل‌کننده در ارتباط باشد.

بخش چهارم

اقتصاد مکتب اتریشی



احمد سیف

۱۳- نهادها پیامد عمل افرادند نه نتیجه طرح‌ریزی از پیش

نهادهای اجتماعی نتیجه فعالیت بشرند نه این‌که از پیش طرح‌ریزی شوند. بسیاری از نهادهای مهم نتیجه فعالیت مستقیم انسان برای رسیدن به اهداف مشخصی‌اند که دارند، نه این‌که از قبل طرح‌ریزی شده باشند. بازار و نظام قیمت‌ها از این نمونه‌اند. از قبل تصمیم گرفته نمی‌شود، بلکه افراد برای بهبود شرایط خویش دست به اقدام می‌زنند و این اقدام‌ها در نهایت باعث ایجاد نظام بازار شد. پول، قوانین، زبان و علوم همه پدیده‌های اجتماعی‌اند که در اثر این فعالیت‌ها متحول می‌شوند، نه این‌که با طرح‌ریزی تکامل یافته باشند، بلکه در فرایند عمل برای بهبود خویش پدیدار شده‌اند و سپس منفعت عمومی دارند.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

وقتی به این موارد در کلیت نگاه می‌کنیم، مشاهده می‌شود که اقتصاددانان مکتب اتریشی با هرگونه مداخله دولت در اقتصاد مخالف‌اند و آن را مخرب و مضر می‌دانند. آن‌چه در این مکتب اقتصادی مهم است، وارسیدن فرایندی است که اطلاعات تولیدشده پخش می‌شود و درون اقتصاد مورد استفاده قرار می‌گیرد. از جمله تأکید اصلی بر روی نهادهایی است که ایجاد می‌شود، چون افراد فاقد اطلاعات کامل‌اند و در شرایط بی‌اطمینانی نسبت به آینده تصمیم می‌گیرند. پول یکی از این نهادهاست که ایجاد می‌شود. پول به عنوان یک وسیله مبادله هم‌زمان با مبادله‌یی که قرار است انجام بگیرد به‌وجود می‌آید، چون افرادی که درگیر تجارت هستند می‌خواهند بی‌اطمینانی را کاهش بدهند و به کالاهایی که خود قادر به تولیدشان نیستند دسترسی داشته باشند. وقتی کالایی به‌عنوان وسیله مبادله پذیرفته می‌شود، افراد می‌توانند در تولید کالاها تخصص پیدا کرده خاطرجمع باشند که می‌توانند کالای تولیدشده خود را با این وسیله مبادله تعویض کنند و سپس وسیله مبادله به‌دست آمده می‌تواند صرف تهیه کالاهایی بشود که اگرچه موردنیاز است ولی خودشان تولید نمی‌کنند. وجود پول، منافع ناشی از تخصص و تقسیم کار را بیش‌تر می‌کند.

در اقتصاد مکتب اتریشی، شاهد بررسی چه‌گونه‌گی ظهور پول و دیگر نهادها هستیم و برخلاف اقتصاددانان نیوکلاسیک، وجود این نهادها را «فرض» نمی‌کنند.

با این همه، چند نکته دیگر هم قابل اشاره است:

اقتصاد مکتب اتریش با اقتصاد کلان، مخالف است و اقتصاد کلان را «اساساً نادرست و گمراه‌کننده» می‌داند. به این ترتیب، روشن است که برای مقوله «عقلانیت غیرعقلایی» هم پاسخی ندارد. منظور من از «عقلانیت غیر عقلایی» این است که مدافعان اقتصاد سرمایه‌داری براین باورند که هر عامل اقتصادی بسته به وضعیتی که در آن است، هدفی دارد و برای رسیدن به آن و به حداکثر رسانیدن تلاش می‌کند. مصرف‌کننده برای حداکثرسازی مطلوبیت تصمیم‌گیری می‌کند و بنگاه و سرمایه‌دار هم برای حداکثرسازی سود می‌کوشند.

اگر این شیوه کار را عقلایی بدانیم، من برآن سرم که ما در نظام سرمایه‌داری با «عقلانیت غیرعقلایی» روبه‌رو هستیم، یعنی وقتی همه برای حداکثرسازی سود می‌کوشند، پیامد به واقعیت نزدیک‌ترش این است که نظام اقتصادی به بحران می‌رسد. - فردگرایی افراطی که گوهر و جان‌مایه اقتصاد مکتب اتریشی است، به نظر می‌رسد برای بررسی و شناخت رفتار گروه انسان‌ها مناسب نیست. این واقعیت دارد که انتخاب از سوی افراد صورت می‌گیرد، ولی این مکتب شماری از توضیحات کلان برای شناخت بهتر از فعالیت‌های انسانی - چون فرهنگ، تاریخ، اخلاق و سنت را نادیده می‌گیرد و به همین خاطر این فردگرایی افراطی نه تنها راهگشا نیست که تقلیل‌گرانه و گمراه‌کننده است.

- اگرچه در همه مکاتب اقتصادی، ما شاهد ساده کردن واقعیت - تجزید - برای نظریه‌پردازی هستیم، ولی به نظر می‌رسد که مکتب اتریشی به جز تجزید، هیچ چیز دیگری برای عرضه کردن ندارد.

وقتی اقتصاددانان نیوکلاسیک برای درک فعالیت‌های اقتصادی نظریه پردازی می‌کنند، از الگوی رقابت کامل بهره می‌گیرند. پیش‌گزاره اساسی این است که مصرف‌کننده‌گان اطلاعات کامل دارند و تولیدکننده‌گان هم، و کالاهای تولیدشده هم همگن‌اند. ورود یک بنگاه تازه به بازار آزاد و بدون هزینه است. اقتصاددانان مکتب اتریشی به‌درستی به غیر واقعی بودن این پیش‌گزاره‌ها ایراد می‌گیرند و معتقدند که باید پیش‌گزاره‌ها دنیای واقعی را نشان بدهد، که اتفاقاً پیشنهاد مطلوبی است. ولی نکته این است که خودشان چه می‌کنند.

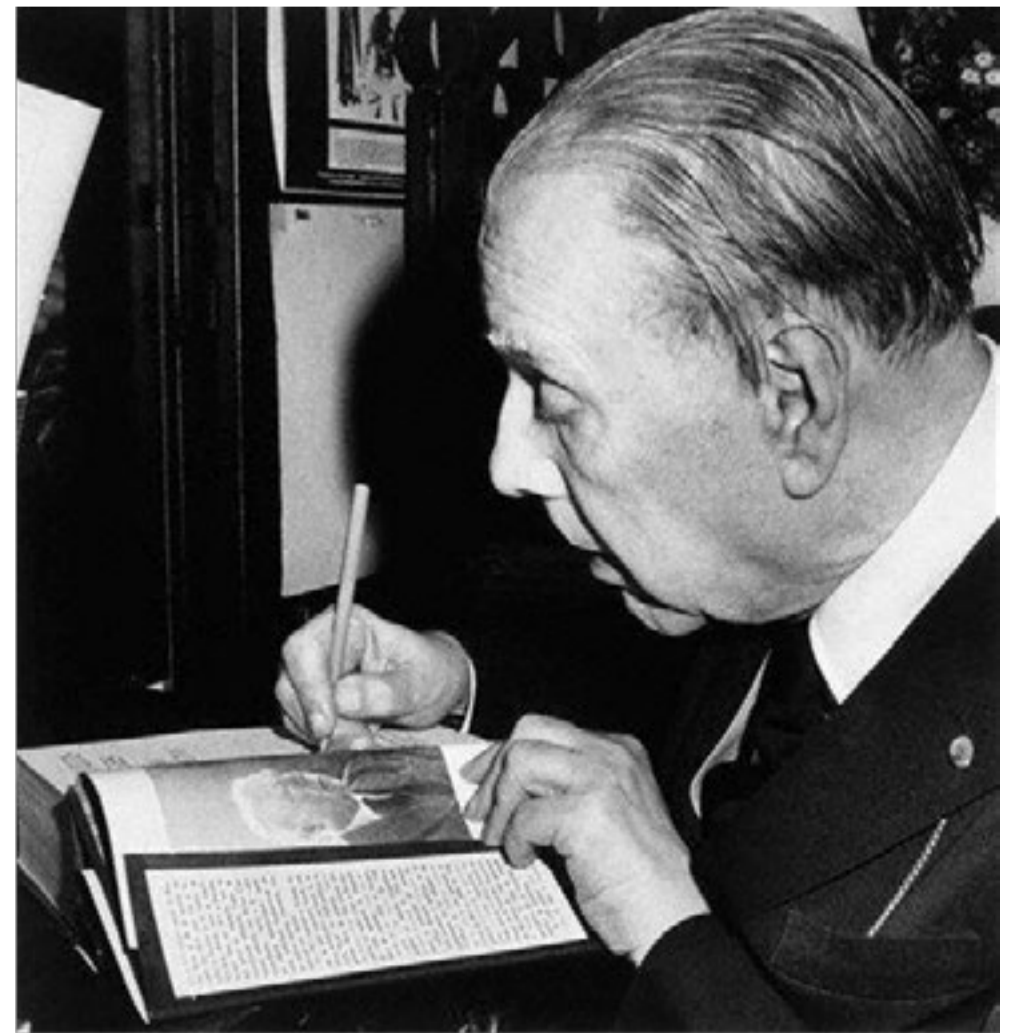
پرسش اساسی در اقتصاد مکتب اتریشی این است که کدام نهاد به یک فرد امکان می‌دهد به اهداف خود برسد و کدام نهاد در این راستا مفید نیست. رهنمودهای سیاست‌پردازی‌شان به تغییر در نهادها محدود می‌شود که در یک جامعه وجود دارند. در مقایسه با مکتب نیوکلاسیک‌ها می‌توان به نکات قابل توجهی اشاره کرد. نیوکلاسیک‌ها از بازار رقابت کامل این‌گونه سخن می‌گویند که تعداد زیادی بنگاه‌های کوچک که کالاهای همگون تولید می‌کنند وجود دارند. عوامل اقتصادی درباره بازار اطلاعات کامل دارند. ساختار بازار، میزان رقابت‌پذیری بازار را مشخص می‌کند. البته می‌دانیم که هایک با این نگرش به اقتصاد همراه نبود. هایک به‌درستی می‌گفت در بازار «رقابت کامل» هیچ‌گونه رقابتی وجود ندارد. از نگاه اقتصاددانان مکتب اتریشی، رقابت یعنی رفتار رقابت‌آمیز و کوشش برای ارایه کالا یا خدمتی با شرایطی بهتر از آنچه رقیب ارایه می‌دهند. رقابت در بازار از آن‌جا آغاز می‌شود که بنگاهی می‌تواند کالای خود را از بقیه که در بازار عرضه می‌شوند تفکیک کند و چون در دنیای واقعی، بنگاه‌ها اطلاعات کامل ندارند، در نتیجه تا قبل از به‌کاربردن یک استراتژی موفق نمی‌دانند یک استراتژی موفق رقابتی کدام است. رقابت به گفته هایک، بیشتر یک «فرایند کاشفانه» است، چون هر بنگاهی می‌کوشد از رقیب پیشی بگیرد و در این فرایند است که دانش به آن‌چه که مصرف‌کننده‌ها طلب‌اند به‌دست می‌آید. بسته به این‌که کدام تعریف از رقابت را بپذیریم - تعریف نیوکلاسیک‌ها و یا مکتب اتریشی - در آن صورت از قوانین (از جمله قوانین آنتی‌تراست) ارزیابی متفاوتی خواهیم داشت. آن‌چه برای اقتصاددانان مکتب اتریشی اهمیت اساسی دارد این است که آیا رفتار رقابت‌آمیز عوامل اقتصادی از مداخلات دولت تأثیر می‌گیرد یا خیر. برای مثال در همین راستا وقتی دولت ضوابط کنترل واردات را اعمال می‌کند، بنگاه‌های داخلی از رفتار رقابت‌آمیز شرکت‌های خارجی مصون می‌مانند. یا زمانی که دولت انحصارهای عمومی و دولتی ایجاد می‌کند - به عنوان مثال اداره پست - فرایند رقابتی شیوه‌های کارآمدتر رساندن نامه متوقف می‌شود. به‌طور کلی با توجه به تأکیدی که در این مکتب اقتصادی بر نقش فرد می‌شود، روشن است که با هرگونه مداخله دولت در مسایل اقتصادی مخالف‌اند.

فتح الله بی نیاز

بورخس از همه تأثیر پذیرفت تا جایی که خودش می گوید: «من واقعاً مطمئن نیستم که وجودی خالص باشم؛ من همه نویسنده گانی هستم که از آنان چیزی خوانده ام؛ همه مردمی هستم که با آنان برخورد داشته ام و آنان را دوست داشته ام؛ من همه شهرهایی هستم که دیده ام؛ من همه نیاکانم هستم.» ادگار آلن پو بیش از همه بر او تأثیر گذاشت. بورخس می گوید: «پو به من آموخت که آدم نباید خود را به موقعیت های روزمره صرف مقید کند؛ زیرا موقعیت های روزمره از غنای تخیل تهی هستند. به واسطه او فهمیدم که می توانم همه جا باشم و حتا تا ابدیت بروم. به برکت نوشته های او فهمیدم که اثر ادبی باید از تجربه شخصی فراتر برود؛ مثلاً تجربه های شخصی را با رویدادهای شگفت که به نحو غریبی جابه جا شده اند، درهم تنید.» سیما و شمایی کلی از اکثر داستان هایش با همان پیچیده گی اولیه در ذهن خواننده می مانند. در داستان کوتاه از نخبه ترین ها است. اگر ادگار آلن پو با دگرگونه نامی ادبی (آیرونی)، ویلیام فالکنر با شکستن خط زمانی، فلائری اوکانر با بازی با فرم و ناباکوف با تغییر زاویه دید و ایجاد تردید در خواننده برای شناخت راوی اصلی، داستان را به حد بالایی از جذابیت ساختاری و معنایی می رسانند، سبک بورخس، کاریست شگردهای مستمر در روایت است. او از شاخه اول به شاخه دوم و از این یکی به سوم می پرد، اما به موقع از سوم به اولی یا دومی برمی گردد و چون در این برگشت، گونه روایت تغییر می کند و بعضاً فرد دیگری هم وارد روایت می شود یا خودش را در متن یا حاشیه داستان قرار می دهد و قصه از دید خواننده گم و گور نمی شود. اگر در امریکا همینگوی و بعدها ریموند کارور از کاربرد صفت و قید خودداری می کنند، ادبیات امریکای لاتین، به خصوص بورخس، با قید و صفت ساخته می شود. او، هم شگفت انگیز می نویسد و ریالیسم جادویی، هم به فلسفه نظر دارد و هم ادیان، هم به تاریخ و رمز و راز و متن هایش آن جا که داستان می شوند، اما به طور کلی متن های او پیش از آن که مدرن یا پسا مدرن به شمار آید، «بورخسی» اند. او را نمی توان در چارچوب های این یا آن جریان فکری گنجاند؛ با این وصف در شماری از آثارش، هژمونی با شگردهای پست مدرنیستی است. ویژه گی های داستان هایش به این شرح اند:



که در داستان های بورخس، رمز خاص مشخصی میان داستان و مقاله دیده نمی شود و این دو خیلی ساده درهم تنیده می شوند. مقالاتش هم نثری داستان گونه دارند؛ برای نمونه، «مقاله - داستان» مشهور «دیوار چین و کتابها» این متن چنین شروع می شود: «در ایام اخیر چنین خواندم که مردی که دستور ساختن آن دیوار تقریباً بی انتهای چین را داد، همان شی هوآنگ تی، نخستین امپراتوری بود که نیز مقرر داشت تا همه کتاب های پیش از او سوخته شوند. این که عملیات دوگانه عظیم، نصب ۵۰۰ تا ۶۰۰ فرسخ سنگ در برابر وحشیان و نسخ بی چون و چرای تاریخ یعنی نسخ گذشته، از یک تن واحد ناشی شده... بی دلیل مرا خرسند کرد و در عین حال نگران. جست و جوی علل



راوی اشباح و ارواح



در داستان مضمون خاین و قهرمان، کیلیپاتریک، فرمانده گروه مبارز از یکسو خاین است، اما چون می خواهد جنبش استمرار یابد، پس قهرمان است و نولان، دوست و هم رزم دیرین او از یکسو قهرمان است، چون کاشف شخص خاین است و تعیین کننده مجازات او هم خاین است، زیرا در نمایاندن چهره خاین واقعی پنهان کاری به خرج می دهد و برای تمهید یک بازی، دست در دست خاین می گذارد و چون همه مبارزان آگاهانه یا ناآگاهانه، در این ریاکاری سیاسی و در عین حال تداوم مبارزه شرکت می جویند، پس همه خاین و در عین حال قهرمان اند؛ حتا راویان راوی این روایت

خود تشنه بودند. روح متمایل به خونریزی صاحبان متوفای این دو کارد با حلول در اشیای بی جان، به آن ها جان بخشیده است. بورخس در طرح واره «راز وجود ادوارد فیتز جرالده» هم نشان می دهد که روح خیام در کالبد فیتز جرالده، مترجم رباعیات خیام، حلول کرده است.

۵- استفاده از طرح واره و تمثیل: شماری از آثار او در حد طرح واره متوقف مانده اند و داستان تلقی نمی شوند. آن ها بیشتر گونه ای تمثیل یا رمزگشایی هستند؛ برای نمونه، کارهایی چون «همه و هیچ»، «یک مسأله»، «شاهد»، «تمثیل سروانستس» و نمونه های دیگر. بعضی از خواننده گان اصلاً نمی توانند با این نوع متن ها ارتباط برقرار کنند، حال آن که عده ای علاقه زیادی به آن ها دارند.

۳- آمیزش نثر و شعر که سخت مورد ستایش یوسا قرار گرفته است و بر نثر نویسنده گانی چون مارکز، کورتاسار و خوان خوسه آره نولای مکزیکی تأثیر گذاشته است. به باور یوسا، بزرگ ترین نقش بورخس پایان دادن به «نوعی عقده حفاتر» در عرصه زبان، شعر، مقاله و داستان کوتاه در امریکای لاتین است. شعر، داستان و مقاله تا پیش از بورخس در چارچوب بینشی اقلیمی محصور بود. بورخس نشان داد که می توان ضمن تأثیرپذیری از ادبیات شرق و غرب، باز هم اسپانیایی نوشت و در عین جهان وطنی، آرژانتینی و بورخسی اندیشید.

۶- به لحاظ معنایی همه چیز تکرار می شود و هر کسی به دلایلی، آن دیگری است. در داستان مضمون خاین و قهرمان، کیلیپاتریک، فرمانده گروه مبارز از یکسو خاین است، اما چون می خواهد جنبش استمرار یابد، پس قهرمان است و نولان، دوست و هم رزم دیرین او از یکسو قهرمان است، چون کاشف شخص خاین است و تعیین کننده مجازات او هم خاین است، زیرا در نمایاندن چهره خاین واقعی پنهان کاری به خرج می دهد و برای تمهید یک بازی، دست در دست خاین می گذارد و چون همه مبارزان آگاهانه یا ناآگاهانه، در این ریاکاری سیاسی و در عین حال تداوم مبارزه شرکت می جویند، پس همه خاین و در عین حال قهرمان اند؛ حتا راویان راوی این روایت. این نتیجه گیری پارادوکسیکال در داستان «زخم شمشیر» هم به شکلی دیگر تکرار می شود. مردی دوستش را که سال ها از او مراقبت کرده بود، لو داده بود. او خود را شخصیت نیک ماجرا جلوه می دهد و داستان را از منظر او روایت می کند. البته این کار چنان بسیار ترسناک صورت می گیرد که اعتراف تکان دهنده اش خواننده را دست خوش بهت می سازد. این چرخش که انزجار خواننده را جایگزین دل سوزی و حتا شفقت او می سازد، تنها به مدد شیوه روایت حاصل شده است. این جا هم روایت از یکسو در موقعیت و از سوی دیگر در نهایت خود پارادوکسیکال است. خیانت و در عین حال سال ها عذاب وجدان و انزوای خودخواسته در حدی است که خاین در روایت خود، آگاهانه نقش فرد خیانت دیده را ایفا می کند؛ کسی که می تواند دیگری و دیگری می تواند سومی باشد!

۴- آمیزش گونه های داستانی؛ چیزی که تا این زمان هیچ نویسنده ای نتوانسته است در حد و اندازه های او گونه های متضاد داستانی را با هم بیامیزد و ژانر ادبی یگانه و متفاوتی خلق کند. تلفیق داستان های جنایی با متافیزیکی و تلفیق نوع ادبی مینیمال با فلسفه از ابداعات بورخس است. شاید عده ای بگویند که خلق این گونه انواع ادبی التقاطی، پدیده تازه ای نیست، زیرا عناصر متشکله آن پیش از این در تاریخ ادبی هر کشوری وجود می داشته است. با این همه شک نباید کرد که هرگونه تلفیق جدید میان انواع ادبی کهن، پاسخ به نیازی فردی و اجتماعی است. چیزی که پست مدرنیسم نمی تواند قبول کند، ثابت ماندن انواع ادبی است. آوستن وارن در مقاله انواع ادبی می نویسد: «آیا انواع، ثابت می ماند؟ بی شک نه. مقولات با افزوده شدن آثار تازه جابه جا می شود. شاهد این معنی، تأثیر رمان تریسترام شندی یا اولیس بر نظریه رمان است. در حقیقت، یکی از شکل های نقادی، کشف گروه بندی تازه و الگوی نوعی و ترویج آن است.» در داستان «مواجهه» هیچ یک از دو حریفی که برای دوئل در برابر هم قرار می گیرند، در واقعیت امر نه به خون هم تشنه اند و نه کدورتی بیش از حد دارند که باطن به این کار مهم راضی شوند. در شروع، زمانی که دو حریف کاردهای بلند را به دست می گیرند، باور نمی کنند که می خواهند به جان هم بیفتند: «هنگامی که دست او [مانکو] شروع به لرزیدن کرد، هیچ کس تعجبی نکرد؛ آنچه مایه تعجب همه شد، این بود که دست «دونکان» هم لرزیدن گرفت.» پلات متافیزیکی داستان، افسون کاردها است که جهان داستان را «شگفت» و خود داستان را «شگفت انگیز» می کند. این دو کارد، روزگاری از آن آدم کش هایی بوده که به خون حریفان

دولت وحدت ملی و اصلاح نظام انتخاباتی

محمد اکرام اندیشمند

هرچند اصلاح سیستم انتخاباتی افغانستان و اصلاح ساختار و تشکیلات آن، بخشی از توافق سیاسی میان رهبران دولت وحدت ملی است که اجرای آن از الزامات توافق و تعهد رییس جمهور و رییس اجرایی شمرده می شود، اما اصلاح نظام و ساختار انتخابات اهمیت فراتر از این توافق در جهت ثبات و توسعه سیاسی، سلامت و پایداری دولت و تحقق عدالت اجتماعی دارد.

سیستم انتخاباتی افغانستان که در سیزده سال زمامداری حامد کرزی رییس جمهور پیشین بر مبنای سلیقه و سیاست موصوف در قالب سیستم اکثریتی تدوین و تنظیم شد، از رشد احزاب سیاسی جلوگیری کرد و سیاست کشور را در مسیر سیاست قومی و مافیایی قرار داد. در این سیستم که رای واحد و غیرقابل انتقال با غیبت احزاب سیاسی به صندوقها ریخته شد، انتخابات به فساد و افتضاح کشید و موجبات خرید و فروش آرای مردم و راهیابی ناشایسته گان به نهادهای منتخب ملی، مانند پارلمان و شوراهای ولایتی، فراهم گردید.

نادرستی و ضعف نظام انتخاباتی از تأثیرگذاری پارلمان و شوراهای ولایتی در شکل گیری و استحکام پایه های یک حکومت سالم، پاسخ گو و خدمت گزار کاست و پارلمان به عنوان نهاد منتخب و ملی قانون گذار و ناظر بر عمل کرد مجریان قانون، به فرارگاه افراد و گروه های کوچک مافیایی و سودجو مبدل شد. ضعف و زیان گشنده این سیستم به صورت فزاینده در تمام دوره های انتخابات، سلامت و شفافیت عمل کرد کمیسیون های مستقل انتخابات و سمع شکایات انتخاباتی را به عنوان مهم ترین نهادهای با اعتبار ملی، مخدوش و بی اعتبار ساخت.

رفتار و عمل کرد کارمندان عالی رتبه کمیسیون های انتخاباتی در جریان برگزاری انتخابات ریاست جمهوری و شوراهای ولایتی و بررسی نتایج انتخابات، به جای بی طرفی، عدالت محوری و شفافیت، با فساد و سوء استفاده همراه بود. این فساد حتا آلودگی برخی مسوولان را تا سطح کمیشنران در بر گرفت. به نظر می رسد که فساد دفترهای انتخاباتی و کارمندان آنها در انتخابات شوراهای ولایتی، بسیار گسترده تر و عمیق تر از حد فساد متداول و معمول

باشد. نگاه به نام و هویت شمار قابل ملاحظه ای از راه یافته گان به شوراهای ولایتی در ولایات مختلف افغانستان، عمق این فساد و آلودگی را در عمل کرد کمیسیون های انتخابات و ناکارایی سیستم انتخابات نشان می دهد.

از آنجایی که انتخابات و آرای مردم زیربنای مشروعیت دولت و حکومت را در نظام سیاسی افغانستان می سازد، بدون اصلاح نظام انتخاباتی در جهت تدویر انتخابات سالم، شفاف و عادلانه، تصور یک دولت سالم و نظام مشروع سیاسی، یک تصور باطل و نامحتمل است. این در حالی است که امنیت، صلح، ثبات سیاسی و توسعه حیات اقتصادی و عدالت اجتماعی افغانستان، بسته گی به مشروعیت و سلامت دولت و نظام سیاسی دارد. تعهد رهبران دولت وحدت ملی به ثبات سیاسی، پیشرفت اقتصادی و عدالت اجتماعی، مستلزم اصلاح و تعدیل نظام انتخاباتی و بازگشت اعتبار صدمه یافته نهادهای ملی تدویر انتخابات افغانستان است. آیا دولت وحدت ملی عمل به این وجیه را در اولویت های کاری خویش قرار خواهد داد و به آن التزام خواهد داشت؟

سخنگوی ریاست جمهوری:

اختلافی بر سر تشکیل کابینه وجود ندارد

حکومت در کل تلاش می کند تا اصلاحات همه جانبه را در ساختارش به اجرا در آورد.

«برابرگونه» مشکل ساز در حال حاضر دو تیم از سوی رییس جمهور و رییس اجرایی در قالب یک کمیسیون برسر کابینه جدید کار می کند. منابعی در این کمیسیون می گویند براساس موافقتنامه حکومت وحدت ملی، وزیران سکنتورهای امنیتی و اقتصادی به صورت برابر تقسیم می شود. اما سایر مقام های دولتی به صورت «برابرگونه» تقسیم خواهد شد. اعضای این تیم می گویند که واژه های «برابر و برابر گونه» در ترکیب کابینه جدید در نظر گرفته می شود.

فوزیه کوفی، نماینده پارلمان که بحث های کابینه را دنبال کرده، می گوید مشکل اصلی برسر کلمه «برابر گونه» در موافقتنامه حکومت وحدت ملی است: «پست های کلیدی وزارت های اقتصادی و امنیتی به صورت مساوی تقسیم می شود و سایر پست ها، وزارت ها و مقام های عالی رتبه به صورت مساوی گونه تقسیم می شود. شما می شود ۴۹ فیصد یا ۵۱ فیصد را بگویید. حالا اختلاف بیشتر روی همین مساوی گونه است که چگونه تقسیم شود.»

در همین حال، آگاهان به مسایل سیاسی می گویند، کمیسیون گزینش کابینه جدید، دیدگاه ها و نتایج بحث های خود در مورد کابینه را در اختیار رییس جمهور و رییس اجرایی قرار داده است. محمد ناطقی آگاه مسایل که مسایل مربوط به کابینه را دنبال می

نمود وضاحت در بعضی از واژه های موافقتنامه حکومت وحدت ملی بحث هایی را در مورد شیوه گزینش وزیران و مقام های جدید برانگیخته است. اما حکومت می گوید اختلافی در مورد تشکیل کابینه وجود ندارد.

محمد اشرف غنی، رییس جمهور افغانستان گفته است که در معرفی کابینه جدید عجله ندارد و تلاش می شود تا افراد متخصص و مسلکی در راس وزارت خانه های حکومت وحدت ملی قرار گیرند.

اما داکتر عبدالله عبدالله، رییس اجراییه حکومت وحدت ملی تأکید کرده که به وعده های خود که در کمپاین انتخاباتی داده، عمل می کند. رییس اجراییه گفته است باید موافقتنامه حکومت وحدت ملی در تشکیل کابینه جدید، مدنظر گرفته شود.

در همین حال، عطا محمد نور، سرپرست ولایت بلخ اخیراً در یک سخنرانی گفت در صورتی که به موافقتنامه حکومت وحدت ملی در رابطه به تشکیل کابینه جدید عمل نشود، عمر این حکومت کوتاه خواهد شد.

نظیف الله سالارزی، سخنگوی ریاست جمهوری روز سه شنبه ۲۰ عقرب به دوپچه وله گفت، اختلافی برسر تشکیل کابینه وجود ندارد: «بحث اساساً روی تعریف وزارت خانه ها است که چه خدماتی را برای مردم افغانستان می تواند ارائه کنند.»

سخنگوی ریاست جمهوری گفت، در مورد موافقتنامه حکومت وحدت ملی اختلافی وجود ندارد، زیرا این

سفر مخفیانه رییس ISI...

پیش از این، سرتاج عزیز مشاور امنیت ملی پاکستان و راحل شریف رییس ارتش این کشور به کابل آمده بودند.

ریاست دستگاه جاسوسی یکی از مقام های بسیار مهم در پاکستان در بخش سیاست های محلی، جنگ علیه پیکارجویی در پاکستان و سیاست خارجی می باشد.

همچنان با توجه به اتهاماتی دایر بر مداخله «آی اس آی» در سیاست داخلی و ارتباط داشتن با طالبان افغانستان و سایر گروه های شورشی که علیه سربازان ناتو زیر فرماندهی ایالات متحده امریکا در افغانستان می جنگند، این نهاد یکی از مورد مناقشه ترین نهادهای دولتی پاکستان به شمار می رود. این اتهامات را مقام های نظامی رد می کنند.

هرچند از نگاه رسمی «آی اس آی» به نخست وزیر گزارش می دهد، اما در واقعیت امر توسط رییس ستاد ارتش کنترل می شود.

قبلاً رضوان اختر، رییس نیروهای شبه نظامی دولتی (پارامیتری رنجرز) در ایالت جنوب شرقی سند بود.

سرحدی ولایتونه له گوانی...

خبریهال ثناء الله مخلص ماندگار ورخپانی ته وویل چي د عبدالقدیم پتیاډ او د ښاغلي استاد احمدی وژنه د هغه مافیایوې ډلو له خوا شوې ده چې په یاد ولایت کې ورنگاری فعالیتونه کوي.

مخلص وایی: (په کندهار کې بیا بیا ځل د نا مالومو وسله والو لخوا د کندهار یو شمېر مشران په وژل شوي دي او عاملین یې په تېښته بریالي شوي. دا هغه مافیایوې ډلې دي چې په کندهار کې د وسله والو طالبانو، د پاکستان او افغانستان ترمنځ د گډې پولې وړ هاخوا ځینو ډلو او یو شمېر نورو ورانکاره اشخاصو په کار اچولي دي.)

د هغه په وینا تر دې وړاندې هم یو شمېر چاودنې او نور ورانکاره فعالیتونه تر سره شوي دي چې پړه یې د همدې بهرنیانو پر غاړه اچول شوې ده.

مخلص زیاته کړه: موږ لیدلي دي په داسې حال کې چې زموږ امنیتي ځواکونو عملیات تر سره کړي دي، په پایله کې یې د هغه وسله والو مړي موندل شوي دي چې له گاونډي هېوادونو نه راغلي او د وسله والو طالبانو په نامه یې د کندهار په لرو پرتو سیمو کې فعالیتونه کول او له دې ځایه به یې خلک ورانکاريو ته هڅول، او دا لړۍ تر اوسه پورې روانه ښکاري چې د وسله والو زیاته برخه په دې ولایت کې د بهرنیانو یعنی د گاونډیانو جوړوي.)

څو ورځې وړاندې د لویدیځ زون درستیزوال او د کندهار د امنی قومندان جنرال عبدالرازق هم رسنیو ته ویلي وو چې عبدالقدیم پتیاډ پاکستان وژلی.

جنرال رازق ویلي وو چې د ښاغلي پتیاډ د وژل کېدو پلان په پنجاب کې طرحه شوی وو، چې په پایله کې یې هغه و واژه. نوموړی ویلي وو چې د هېواد مشران مو په بیلا بیلو نومونو د پاکستان له خوا وژل کېږي چې له دې وروسته موږ د داسې وژنو د بندېدو غوښتنه کوو.

سربېره پر دې یو شمېر نور هغه ولایتونه چې له پاکستان سره شریکه پوله لري له ورته گواښونو سره لاس او گړهوان دي. په ختیځ او جنوب کې دا وروستۍ پېښې هغه پېښې دي چې د پاکستان او وسله والو پر وړاندې یې د ولسونو اندېښنې را پارولي دي.

نواز شریف در آلمان:

از هیچ گروهی در افغانستان حمایت نمی کنیم



نواز شریف بیان کرد: پاکستان از هیچ گروهی در افغانستان حمایت نمی کند و ثبات در این کشور از هر لحاظ به نفع اسلام آباد می باشد بنابراین به دنبال آرامش

نخست وزیر پاکستان گفت: از تقاضای اشرف غنی برای کمک جهت مذاکره با طالبان استقبال می کند و کشورش حاضر است با تمام توان برای به نتیجه رسیدن مذاکرات صلح در افغانستان ایفای نقش کند.

وی افزود: ارتش پاکستان برای ریشه کن کردن تروریسم در حال جنگ با شبه نظامیان وزیرستان شمالی است و تا زمانی که تمام مخفی گاه های تروریست ها از کشور برچیده نشود این جنگ ادامه خواهد داشت.

نخست وزیر پاکستان قرار است ۱۳ نوامبر برای شرکت در کنفرانس انرژی راهی لندن شود.

شریف تأکید کرد: سعی دارد پاکستان را از نظر اقتصادی مستحکم کند و هدف از سفرهای خارجی نیز در همین خصوص انجام می شود.

علت اینکه بیشتر خبرنگاران درباره داعش از نواز شریف سؤال کردند این است که رسانه های پاکستانی به تازگی اخباری در زمینه گسترش فعالیت داعش در این کشور منتشر کرده بودند.

خبرهای مربوط به گسترش فعالیت داعش در پاکستان بعد از اعلام وفاداری شاهدالله شاهد سخنگوی سابق طالبان پاکستان به ابوبکر بغدادی منتشر شد.

و امنیت در این کشور هستیم نه چیز دیگر. وی افزود: متهم کردن پاکستان به حمایت از شبه نظامیان در افغانستان یک اتهام بی اساس است.

از جهان سوم به جهان اول داستان سنگاپور

از سال ۱۹۶۵ الی ۲۰۰۰ میلادی



یکی از داستان‌های موفقیت نظام سرمایه‌داری رهبری شده مدل اجتماعی-اقتصادی که سنگاپور را از جهان سوم به جهان اول ارتقا بخشید

بخش سوم

خاطرات لی کووان یو

اقتباس و ترتیب: محمود کرزی

(۳) ایجاد مرکز پولی/مالی (صفحه ۸۹ و بعد):

اگر کسی در زمان جدایی سنگاپور از مالیزیا در سال ۱۹۶۵م پیش بینی می‌کرد که روزی سنگاپور حیثیت یکی از مراکز مالی و پولی جهان را کسب خواهد کرد، دیوانه پنداشته می‌شد. سوال مهمی که امروز مطرح می‌شود این است که این پیش‌بینی قرین به دیوانگی چگونه به حقیقت پیوست. چطور شد که بلاک‌های دُرخشان دفاتر بلند منزل در مرکز شهر سنگاپور با استفاده از هزاران کمپیوتر با لندن، نیویارک، توکیو، فرانکفورت، هانگانگ، و سایر مراکز عمده مالی و پولی جهان توصل و ارتباط پیدا کرد؟

این امر با آغازی که در سال ۱۹۶۸م کاملاً بدور از احتمال به نظر می‌رسید شروع شد. دکتر وینزیمیوس (Dr Winsemius) مکالمه تلیفونی بی‌را که وی با دوستش، معاون شعبه بانک آمریکا در سنگاپور، داشته خاطر می‌آورد. وی به دوستش که در آنروز در لندن بود چنین گفت: «بینید، آقای وان اون، ما (سنگاپور) می‌خواهیم در ظرف ده سال آینده، مرکز مالی جنوب شرق آسیا باشیم.» آقای وان اون در پاسخ گفت: «بسیار خوب، به لندن بیایید. شما می‌توانید در پنج سال چنین ظرفیتی را کسب کنید.» وینزیمیوس بدون درنگ عازم لندن شد. وان اون او را به دفتری برد که در آن کره زمین بزرگی قرار داشت و گفت: «بدین جا نگاه کنید، جهان مالی و پولی از زوربخ آغاز می‌شود. بانک‌های زوربخ ساعت نه صبح باز می‌شوند، به تعقیب آن‌ها بانک‌های فرانکفورت و بعداً لندن شروع به فعالیت می‌کنند. در بعد از ظهر، بانک‌های زوربخ درهای خود را می‌بندند، و به تعقیب آن‌ها بانک‌های فرانکفورت و لندن به فعالیت خود پایان می‌بخشند. هنگامی که این بانک‌ها در اروپا درهای خود را بسته اند، بانک‌های نیویارک باز و فعال اند. درین زمان، لندن جریان پول و معاملات مالی جهان را به نیویارک سپرده است. در بعد از ظهر، بانک‌های نیویارک درهای خود را می‌بندند و وظیفه خود را به بانک‌های سانفرانسیسکو می‌سپارند. زمانی که بانک‌های سانفرانسیسکو به فعالیت روزانه خود پایان می‌بخشند، چادری از تاریکی بر جهان مستولی شده و مردم بخواب می‌روند. در این میان برای چند ساعتی فعالیت‌های بازار پولی جهان متوقف شده اند تا این که فردا ساعت نه صبح به وقت سویس درهای بانک‌های آن کشور بار دیگر باز می‌شوند. اگر ما سنگاپور را در وسط این دو زمان معاملاتی قرار دهیم، قبل از این که سانفرانسیسکو فعالیت روزانه خود را به پایان برساند، سنگاپور خواهد توانست وظیفه انجام معاملات را در جهان به عهده گرفته و دوام دهد. زمانی که سنگاپور فعالیت روزانه خود را به پایان می‌رساند، دفاتر و بانک‌های زوربخ درهای خود را گشوده و معاملات را دوام خواهند داد. بدین ترتیب، با داخل ساختن سنگاپور در حلقه پولی و مالی جهانی، از زمان خلقت تا کنون، این نخستین باری خواهد بود که معاملات پولی و مالی جهانی شکل دوران بیست و چهارساعته را بخود کسب خواهد کرد.»

بنابر تقاضای وینزیمیوس، وان اون اثر تحقیقی بی‌را در زمینه به رشته تحریر درآورده و آنرا به هان سوی سن (Hon Sui Sen) که رییس بود انکشاف اقتصادی سنگاپور (Singapore Economic Development Board) بود ارسال کرد. هان سوی سن کسی بود که ارتباط خاص مرا با وینزیمیوس نگه می‌داشت. سوی سن به دیدار آمد و پیشنهاد کرد که ما باید همه محدودیت‌های اسعاری ایرا که بر معاملات پولی میان سنگاپور و ممالک خارج از حوزه پوند استرلینگ وضع شده بود از میان برداریم. ما هنوز جزء حوزه پوند استرلینگ بودیم و عضویت در این حوزه ما را مجبور می‌ساخت تا محدودیت‌های

آن شدند تا به ایجاد و انکشاف بازارهای مالی دست یازند. برخی از این ممالک، غرض جلب سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی، به عرضه امتیازات مالیاتی دست زدند که در مقایسه با امتیازاتی که ما ارائه می‌کردیم، سخاوتمدانه‌تر بودند. معذالک، آنچه سنگاپور را نسبت به دیگران بطور مطلوبی متمایز می‌ساخت همانا اساسات مستحکمی بود که مرکز مالی/پولی ما بر آنها استوار شده بود. این اساسات عبارت بودند از: حاکمیت قانون، نظام قضایی مستقل، و حکومتی با ثبات، باکفایت و صادق که سیاست‌های اقتصادی سالم را تعقیب می‌کرد و هر ساله از مازاد بودجوی برخوردار بود. این خصوصیات سبب تقویت دالر سنگاپوری شده و مانع تورم وارد شده گردید.

در سال‌های ۱۹۷۹ ما با یکی از نام‌آوران بزرگ شهر لندن اصطکاک کردیم. قضیه از این قرار بود که در سال ۱۹۷۲ آقای جیم سلیتر (Jim Slater) یکی از سرمایه‌گذاران انگلیسی که در رشته سلب دارایی‌ها (asset stripping) تخصص داشت برای دیدن ما به سنگاپور آمد. زمانی که ادوارد هیت (صدرعظم برتانیا بین سال‌های ۱۹۷۴-۱۹۷۰) به سمت صدراعظمی رسید، مطبوعات برتانیا اعلان کرد که او مدیریت دارایی‌ها و اسهام خود را جیم سلیتر سپرده بود. بدین ترتیب، آقای سلیتر از اعتبار زیادی برخوردار بود. من او را یک‌سال قبل در دعوتی ملاقات کرده بودم که از جانب ادوارد هیت در مقر نخست وزیر انگلستان (Downing Street ۱۰) برپا شده بود. بدین بنا من از شرکت آقای سلیتر در بازار اسهام سنگاپور استقبال نمودم.

مدتی بعد، در سال ۱۹۷۵، سووی سن، وزیر مالیه ما، به من اطلاع داد که شرکت اسهام سلیتر-واکر در دست‌کاری اسهام شرکت‌ها پار برادرز که در سنگاپور به حیث یک شرکت عامه ثبت شده بود، دست داشت. قرار معلومات وزیر مالیه، سلیتر و همکارانش دارایی‌های هاپار برادرز و شعبات آنرا بطور غیرقانونی به حسابات خود و بعضی از مدیران کمپنی موصوف منتقل می‌ساختند. این عمل تخلف جرمی از اعتمادی بود که سرمایه‌گذاران به سلیتر و همکارانش کرده بودند: سلیتر و همکارانش به سهام‌داران هاپار و شرکت‌های سرمایه‌گذار آن خیانت می‌کردند. معذالک، مبرهن بود که تحقیقات در مورد یکی از کمپنی‌های بزرگ و مشهور بازار اسهام لندن، نمی‌تواند کار ساده‌ی باشد. در صورتی که تحقیقات و کنجکاوای‌های ما غلط و غیرموجه ثابت می‌شدند، بدون شک، صدمه شدیدی بر شهرت ما وارد می‌گردید. آیا لازم بود، علی‌الرغم چنین خطری، علیه سلیتر داخل اقدام شویم؟ من بدین تصمیم رسیدم که ما مجبور بودیم برای حفظ سلامت و شهرت بازار اسهام خود به چنین اقدامی دست بزنیم.

مقررات، و اصولی فعالیت می‌کند که بطور مرتب مورد تجدید نظر قرار داده می‌شوند تا با انکشافات و شرایط تازه خدمات مالی/پولی عیار ساخته شوند. ما هر وجب راه بسوی اعتبار، سلامت، شایستگی، و قضاوت سالم مالی/پولی را با مشقت و احتیاط تمام طی نمودیم. تاریخ ایجاد مرکز مالی/پولی ما داستانی است در این باب که ما چگونه اعتبار و سلامت کاری سیستم خود را اعمار نمودیم و مدیران با دانش و ماهرری را تربیه نمودیم که قادر بودند بانک‌ها، شرکت‌های سرمایه‌گذاری و اسهام، و مؤسسات مالی ما را مؤفّقانه نظارت نمایند. با این اقدامات بود که ما خطر ناکامی سیستم مالی/پولی خود را به حد اقل تقرب بخشیدیم.

در آغاز ما با یک بازار کوچک دالری آسیایی که با بازار دالری اروپایی (Eurodollar market) هم‌قطاری می‌کرد، شروع کردیم. در بدو امر، این بازار یک بازار بین‌المللی بود که در سنگاپور موقعیت داشت و اسعار خارجی را به منظور تقریض به بانک‌های منطقه و برعکس دریافت می‌کرد.

بعدها بازار دالر آسیایی به معامله در ساحة اسعار و مشتقات مالی (financial derivatives) آن‌دسته از اسهام پرداخت که به پول‌های خارجی نام‌گذاری شده بودند. این بازار به مرور زمان ترتیب قرضه‌های بزرگ، نشر اسناد قرضه، و مدیریت صندوق‌های سرمایه‌گذاری را نیز جزء کار خود ساخت. ارزش بازارهای دالر آسیایی در سال ۱۹۹۷ بالاتر از ۵۰۰ میلیارد دالر بود. این ارزش سه چند حجم بازار بانکی داخلی ما بود. میزان رشد این بازار خارق‌العاده بود زیرا به نیازهای بازار پاسخ می‌گفت. در نتیجه توسعه جهانی تجارت و سرمایه‌گذاری، معاملات مالی/پولی بین‌المللی بطور تصاعدی افزایش یافته و آسیای شرقی را احتوا کرد. در این میان، سنگاپور (با آماده‌گی‌هایی که داشت) بحیث یکی از نقاط کلیدی اتصال مالی/پولی در منطقه تبارز نمود.

در اوایل، بین سال‌های ۱۹۶۸-۱۹۸۵، سنگاپور بازار تمام منطقه را در اختیار داشت و با رقیبی مواجه نبود. مسالیاتی را که در منبع (قبل از سنجش مالیات سرمایه‌گذار) بالای درآمد ربح حسابات سرمایه‌گذاران خارجی وضع شده و توسط شرکت‌های سرمایه‌گذاری به دولت پرداخته می‌شد، از بین بردیم؛ این اقدام باعث شد تعداد زیاد شرکت‌های مالی و سرمایه‌گذاری به سنگاپور جلب شوند. برعلاوه، ما همه سپرده‌های دالری آسیایی را از تطبیق قانون ذخایر اقلی و سیالیت ضروری معاف ساختیم. (این امر، دوران سرمایه را سرعت بخشید.) در سال‌های ۱۹۹۰، سنگاپور حیثیت یکی از مراکز بزرگ مالی/پولی جهان را کسب کرده و بازار اسعاری آن پس از بازار توکیو یکی از بازارهای بزرگ جهان محسوب می‌شد. در تقلید از مؤفّقیت ما، پس از اواسط ۱۹۹۰، سایر کشورهای منطقه در صدد

اسعاری ایرا بر انتقالات پولی وضع نماییم. زمانی که سوی سن مسأله امکان ایجاد صندوق اسعاری بی‌مشابه به صندوق اسعاری هانگانگ را برای سنگاپور با یکی از مأمورین بانک انگلستان در میان گذاشت، به وی گفته شد که ترتیبات اسعاری هانگانگ به دلایل تاریخی مورد پذیرش قرار گرفته بود. مأمور مزبور هشدار داد در صورتی که سنگاپور بخواهد اقدام مشابهی را بعمل آورد، احتمالاً مجبور خواهد شد حوزه استرلینگ را ترک نماید. ایجاد صندوقی اسعاری از جهتی برای ما اهمیت داشت که چنین صندوقی به ما اجازه می‌داد صاحب یک بازار دالری آسیایی شویم. من علی‌الرغم خطری که از این ناحیه متصور بود تصمیم به ایجاد چنین صندوقی گرفتم و به سوی سن هدایت دادم تا در این راه پیش برود. بانک انگلستان موضوع را جدی نگرفت و سنگاپور به ترک حوزه استرلینگ مجبور نشد. به هر صورت، چهار سال بعد برتانیا حوزه مزبور را منحل ساخت.

برعکس هانگانگ، سنگاپور نه این امتیاز را داشت که از اعتبار و شهرت شهر لندن به حیث مرکز مالی و بانک‌داری جهان استفاده نماید؛ و نه از حمایت بانک انگلستان برخوردار بود، بانکی که سمبول مهارت، اعتبار، و مدیریت سالم پولی و مالی در جهان بود. در سال ۱۹۶۸ م سنگاپور هنوز یک کشور جهان سوم به شمار میرفت. برای اینکه بانک‌داران جهانی به سنگاپور جلب و علاقه‌مند می‌شدند، لازم بود ثبات اجتماعی تأمین شود؛ محیط مناسب کار و زندگی فراهم آید؛ زیربنای کافی و قابل اعتبار اعمار شوند؛ تعداد کافی اشخاص مسلکی و تعلیم یافته‌ی که بتوانند خود را با شرایط تازه انتباق دهند در دسترس کارفرمایان خارجی قرار داشته باشد. برعلاوه، ما باید بانک‌داران و سرمایه‌گذاران خارجی را متقاعد می‌ساختیم که بورد پولی (currency board) و اداره پولی سنگاپور (Monetary Authority of Singapore) این توانایی و مهارت را دارند تا از صنعت بانک‌داری ما مراقبت و نظارت سالم به عمل آورند. من و کینگ سووی از همان روزهای نخستین استقلال تصمیم گرفته بودیم که سنگاپور نباید دارای بانک مرکزی‌یی باشد که به نشر پول بپردازد. ما مصمم بودیم تا نگذاریم پول ما در برابر پول‌های قوی ملت‌های بزرگ، مخصوصاً در برابر دالر ایالات متحده، ارزش خود را ببازد. بنابراین، ما بورد پولی خود را حفظ کردیم. این بورد اجازه داشت محض در صورت داشتن پشتوانه مساوی اسعار خارجی به نشر دالر سنگاپوری بپردازد. ادراة پولی سنگاپور (MAS) مؤسسه‌یی است که همه صلاحیت‌های یک بانک مرکزی عادی را در اختیار دارد به استثنای صلاحیت نشر بانک‌نوت پولی.

اداره پولی سنگاپور در امر نظارت مالی/پولی مهارت مسلکی همه جانبه دارد. این اداره بر اساس قوانین،

Mandegar

بیش از یک تن مواد منفجره در سالنگ کشف شد



کشف و ضبط گردید. به گفته آقای هاشمی، سه تن به اتهام این قضیه توسط نیروهای پولیس ولسوالی سالنگ بازداشت شده و تحقیقات در زمینه جریان دارد. وی افزود که این نوع مواد انفجاری در اعمال ترورستی و انفجارت به کار گرفته می‌شود. مسوولان امنیتی سالنگ می‌گویند که در سال جاری، این بار نخست است که چنین محموله خطرناکی در این مسیر امن کشف می‌شود.

مسوولان امنیتی ولسوالی سالنگ ولایت پروان از کشف و ضبط بیش از یک هزار کیلوگرم مواد انفجاری خبر می‌دهند. سمونوال احمدضیا هاشمی فرمانده پولیس ولسوالی سالنگ ولایت پروان به خبرگزاری جمهور گفت: «صبح امروز (دیروز) یک موتر نوع ۳۰۳ که از کابل به ولایت قندز در حرکت بود و مقدار ۲۷ بوری ۷ سیره که ۱۳۵۰ کیلوگرم مواد انفجاری نوع دیامونیم نایتريد به گونه ماهرانه در توبکس آن جاسازی شده بود در منطقه شکارگاه سالنگ

سرحدی ولایتونه له گوانی سره مخ دي

مشرقیوال زیاته کره چې چاودېدونکي توکي له وړاندې نه په یو زرنج موترسایکل کې خای پر خای شوي وو او د پولیسو په موتر بې چاودنه وکړه. مشرقیوال همدا راز ماندگار ورځپاڼې ته وویل، چې تېره ورځ دوه شارتی توغندي هم د جلال اباد په ښار را توغول شوي دي چې له کبله یې اته تنو ته مرگ ژوبله اوښتې ده. د مشرقیوال په خبره چې توغندي د جلال اباد ښار په جلا سیمو کې لگېدلي دي، چې له کبله یې یو تن وژل شوی او اوه تنه نور تپیان شوي دي. نوموړي ماندگار ته وویل: (په ننگرهار کې د امنیتي ځواکونو ترمنځ هم‌هنگي وجود لري، چې له کبله یې ورته ډېری پېښې مخکې له دې چې تر سره شي شنې کړي دي.)



د ننگرهار د امنی قومندانۍ ویاند حضرت حسین مشرقیوال همدا راز وویل: ننگرهار د پاکستان سره ګډه پوله لري چې ډېری وخت له همدې پولې د ننگرهار په لړې پرتو سیمو کې توغندي او یو شمېر وسله وال فعالیتونه تر سره کېږي. هغه ونه ویل چې د دغو پېښو مسوولیت چا پر غاړه اخیستی او که نه، خو ډېری وخت د داسې پېښو مسوولیت وسله وال طالبان پر غاړه اخلي. بل خوا د کندهار په ولایت کې د نا مالومه وسله والو له خوا د ملکي کسانو وژنې زیاتې شوي دي. تېره ورځ په یاد ولایت کې د میرویس نیکه د ښوونځي مدیر په داسې حال کې د نامالومه وسله والو لخوا ووژل شو چې نوموړي ښوونځي ته د تلو په حال کې وو. په کندهار کې د مدیر احمدی له وژنې څو ورځې مخکې د کندهار پوهنتون د حقوقو یو تن زده کوونکو او د یاد ولایت د والي ویاند عبدالقدیم پتیا هم د نامالومو وسله والو له خوا په تړو ووژل شو. د کندهار ولایت یو فعال...

له تېرو دوو ورځو راهیسې د هېواد په هغو یو شمېر ولایتونو کې چې له پاکستان سره ګډه پوله لري په پر لیسې ډول وژوونکې حملې کېږي. چارواکي وايي چې له پاکستان سره په ګډه پوله پرتو ولایتونو کې بېلابېلې وژونکې پېښې شوي دي چې له امله یې لږ تر لږه ۱۳ تنو ته مرگ ژوبله اړولې ده. ننگرهار او کندهار هغه دوه سرحدی ولایتونه دي چې له ګاونډي هېواد پاکستان سره شریکه پوله لري چې بیا ترې د چاودنو او وژنو رپوټونه ورکول کېږي. د شنبې په ورځ چې په پلازمېنه کابل کې د یاد ولایت د امنی په قومندانۍ څانګړی برید وشو، ورسره په سرحدی ولایت ننگرهار کې هم د پولیسو په یوه رینجر موتر چاودنه وشوه چې له امله یې درې تنه ملي پولیس ووژل شول او یو تن بل تپي شو. د ننگرهار د امنی قومندانۍ ویاند حضرت حسین مشرفي وال ماندگار ورځپاڼې ته وویل چې یاده پېښه د شنبې په ورځ د سهار په اتو بجو په داسې حال کې رامنځته شوه چې د پولیسو یو رینجر موتر خپلې قرارگاه ته په لار وو.

جمع آوری بیش از ۱۵۰۰ موبایل و چاقو از نزد زندانیان هرات

به گفته او، تعداد این وسایل به بیش از ۱ هزار سیت موبایل و ۵۰۰ قبضه چاقوی دست ساز می‌رسد.



آقای عزیزی تصریح می‌کند که این تعداد وسایل بدون هیچ‌گونه مشکلی از نزد زندانیان جمع آوری و ضبط شده است. مدیر زندان هرات همچنین از موجودیت تعداد دیگری از وسایل غیرقانونی در این مرکز خبر داده و گفته که در آینده نزدیک، این شمار هم جمع آوری خواهد شد. در همین حال، چندی پیش، قاضی عبدالغفار زبیر، رییس دادگاه هرات از برخی تماس‌های تهدید آمیز زندانیان به قضات خبر داده و این روند را نگران کننده خوانده بود. آقای زبیر از دستگاه‌های امنیتی به ویژه فرماندهی پولیس خواسته بود تا با این مسأله به طور جدی برخورد کرده و نگذارند که این رفتارها ادامه داشته باشد. در زندان هرات، بیش از ۳ هزار زندانی نگهداری می‌شود.

مقامات زندان هرات گفته اند که در روزهای اخیر، بیش از ۱۵۰۰ تیلیفون همراه و چاقو را از این مرکز جمع آوری کرده اند. به گفته آنان این وسایل از دید قانونی، استفاده آن در زندان خلاف است و این اشیا طی سال‌های گذشته وارد زندان شده بود. برید ژنرال عبدالله عزیزی، مدیر عمومی محابیس هرات در یک نشست خبری گفت: پس از فرمان رسمی ریاست جمهوری کشور، قرار بر این شد که تمامی اشیا غیرقانونی از داخل زندان هرات جمع آوری شود.

دستگیری ۳ زن و ۳ مرد به جرم حمل سلاح‌های کمیاب امریکایی

جواد افغان، سخنگوی ولایت فراه در این باره به خبرگزاری جمهور می‌گوید: این افراد در حالی که سوار بر یک موتر سواری نوع فیلدر بوده اند؛ قصد ورود به شهر فراه را داشتند. به گفته او، از این ۳ زن و ۳ مرد، ۳ جنگ افزار حرفه ای امریکایی، ۲ کلاشنیکوف و ۱ میل تفنگچه به دست آمده است. آقای افغان تصریح می‌کند که تا کنون معلوم نشده که این دستگیرشدگان عضو چه گروهی بوده و به چه هدفی این چنین سلاح‌های کم یافت را با خود حمل می‌کردند. گفته شده که موتر حامل این افراد دارای شماره پلاک ولایت قندهار بوده است. گفتنی است که این افراد در حال حاضر زیر نظر بازپرسان فرماندهی پولیس فراه به سر می‌برند.



پولیس ولایت فراه موفق شد تا ۳ زن و ۳ مرد را که حامل سلاح کماندوی امریکا بودند را دستگیر کند. مقامات محلی گفته اند که این افراد عصر روز گذشته از منطقه شمالگاه شهر فراه شناسایی و بازداشت شده اند.

روزنامه ماندگار برای سال جاری خورشیدی مشترک می‌پذیرد

برای دانشجویان و اساتید دانشگاه



- سه ماهه - ۱۰۰۰ افغانی
- شش ماهه - ۲۰۰۰ افغانی
- نه ماهه - ۳۰۰۰ افغانی
- یک ساله - ۴۰۰۰ افغانی

- دفتار خارجی
- سه ماهه - ۱۰۰ دالر
- شش ماهه - ۲۰۰ دالر
- نه ماهه - ۳۰۰ دالر
- یک ساله - ۴۰۰ دالر



- نارسیده به منزل یا دفتار
- سه ماهه - ۱۰۰۰ افغانی
- شش ماهه - ۲۰۰۰ افغانی
- نه ماهه - ۳۰۰۰ افغانی
- یک ساله - ۴۰۰۰ افغانی

برای دفاتر



- سه ماهه - ۱۲۵۰ افغانی
- شش ماهه - ۲۵۰۰ افغانی
- نه ماهه - ۳۷۵۰ افغانی
- یک ساله - ۵۰۰۰ افغانی

حساب بانکی روزنامه ماندگار در میوند بانک: Mandegar daily Bank Account in Maiwand- Bank: 1001201077988

برای اشتراک در روزنامه با این شماره‌ها به تماس شوید: +۷۷۶۹۳۰۵۶۵ - +۷۸۴۳۰۱۶۴۰